

سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب

سید محمد طباطبایی¹

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

اکرم فضلی خانی

دانش آموخته رشته مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت 92/9/4 - تاریخ تصویب 92/12/22)

چکیده

تحولات دولت‌های عربی که از سال 2010 در تونس آغاز شد و دومینووار به کشورهای دیگر از جمله مصر و لیبی رسید، باعث واکنش دولت‌های مختلف شد که یکی از آنها ترکیه است. ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه حضور خود را در جهان عرب و خاورمیانه پررنگ کرده است و بیداری اسلامی نیز فرصتی در اختیار سیاست‌گزاران این دولت قرار داد تا با حضور فعال در جریان این تحولات، اهداف خود را جدی تر از قبل در منطقه پیگیری کنند.

در این مقاله سعی بر این است تا به واکاوی تأثیر تغییر نگاه سیاست‌گزاران ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه بر سیاست خارجی فعال این کشور در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب پرداخته شود، بدون اینکه بخواهیم درستی یا نادرستی، موفقیت یا عدم موفقیت سیاست خارجی ترکیه را مورد ارزیابی قرار دهیم. همچنین، چگونگی حضور این کشور در قالب رفتارهای میانجی‌گری، حمایت، همراهی با ناتو و سفر مقامات ترکیه‌ای به کشورهای عربی بررسی می‌شود. چرایی حضور دولت ترکیه در قالب تلاش برای گسترش مدل اسلام ترکیه‌ای در منطقه، تبدیل شدن به پل واسطی میان خاورمیانه اسلامی با اروپا، حمایت از منافع آمریکا در جهان عرب، تبدیل شدن به الگوی هویتی منطقه‌ای و تلاش برای رهبری در اصلاحات منطقه و رقابت هویتی با ایران مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی فعال، ترکیه، بیداری اسلامی، حزب عدالت و توسعه، جهان عرب.

¹نویسنده مسئول Email: tabasm234@yahoo.fr

سیاست خارجی دولت‌ها برآمده از سیاست داخلی آنها است. درست است که اصول سیاست خارجی هر کشور بالنسبه ثابت است و با تغییر سیاست‌گزاران آن کشور، تحول اساسی در آن صورت نمی‌گیرد، اما ممکن است در روند و مشی اجرای آن تجدید نظر شود. ترکیه یکی از دولت‌هایی است که از زمان تأسیس، اصول سیاست خارجی آن مبتنی بر کمالیسم بود. این اصول عبارت بودند از: ناسیونالیسم، دولت‌گرایی، جمهوری خواهی، سکولاریزم و انقلابی‌گری. این دولت در پی آن بود که خود را دولتی دین‌جدا نشان دهد و در پی نوسازی به شیوه غربی‌ها باشد. ویژگی دیگر این دولت، شعار صلح در خانه، صلح در بیرون بود و سیاست مداران معتقد بودند ترکیه باید سعی کند مشکلات داخلی خود را حل کند تا در بیرون نیز مشکلی نداشته باشد، به همین دلیل در ارتباط با همسایگان خود و کشورهای منطقه دچار نوعی انزواگرایی بود و در قبال آنها سیاست خارجی فعالی نداشت. علاوه بر این‌ها آن چه که به وضوح در این کشور نمایان بود نقش و جایگاه نظامیان بود که در حقیقت خود را نگهبان ارزش‌های دین‌جداپانه جامعه و دولت ترکیه می‌دانستند. ویژگی دیگری که از زمان تأسیس این جمهوری به چشم می‌خورد این بود که ترکیه خواهان نزدیکی به غرب و خصوصاً ایالات متحده و هم‌چنین عضویت در اتحادیه اروپا بود. گرچه روابط ترکیه با اروپا و آمریکا دچار افت و خیز فراوانی شده است اما در یک نگاه کلی ترکیه هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود، غرب را از اولویت خارج نکرده است.

متعاقب به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه و به خصوص پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال 2002، سیاست‌گزاران جدید به تدریج از اصول کمالیستی فاصله گرفته و اصول سیاست خارجی جدیدی را تدوین کردند و تغییراتی در روند سیاست خارجی این کشور به وجود آمد. مبنای این اصول، در اندیشه‌های داوود اوغلو وزیر امور خارجه حزب عدالت و توسعه بود که در کتاب و مقالات متعدد وی منعکس شده است. بر این اساس ترکیه آرزو دارد به یک قدرت مرکزی در منطقه و یک بازیگر تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل تبدیل شود و نوعی موازنه در سیاست خارجی خود در ارتباط با شرق و غرب برقرار کند. به همین دلیل سعی این دولت بر این بوده است که حضوری فعال در مناطق مختلف بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه داشته باشد. در این راستا، با وقوع تحولات سال‌های 2010 و 2011 در جهان عرب، این دولت سیاست خارجی فعالی در قبال تحولات در پیش گرفت.

هدف این مقاله بررسی تأثیر تغییر نگاه سیاست‌گزاران ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه بر سیاست خارجی این دولت در قبال تحولات جهان عرب است. سؤالی که در این نوشته سعی در پاسخ آن داریم عبارت است از تغییر نگاه سیاست‌گزاران ترکیه متعاقب به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و اینکه چه تأثیری بر سیاست خارجی این کشور در قبال تحولات جهان عرب داشته است؟ فرضیه مورد نظر نیز اینگونه بیان شده است که تحول در نگرش سیاست‌گزاران ترکیه موجب سیاست خارجی فعال این کشور در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا شده است. البته نکته قابل ذکر و مهم این است که در این مقاله به دنبال ارزیابی نگاه جدید سیاست‌گزاران ترک و آزمودن کارایی سیاست خارجی نوین آن نمی‌باشیم؛ زیرا کاستی‌ها و معایب آن در ظرف زمان عیان می‌گردد. برای بررسی این مطلب، نخست چارچوب نظری که سازه‌انگاری است بیان می‌شود، سپس اصول سیاست خارجی جدید ترکیه در دوران حزب عدالت توسعه و جلوه‌های عملی آن بیان می‌شود و در نهایت چرایی و چگونگی حضور فعال ترکیه در جریان بیداری اسلامی در جهان عرب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل سیاست خارجی از منظر سازه‌انگاری

نظریه‌ای که در این مقاله بر اساس آن به بررسی موضوع پرداخته شده است، سازه‌انگاری است. یکی از نظریه‌های مهم که در اواخر دهه 1980 مطرح شد، نظریه سازه‌انگاری یا برسازنده‌گرایی است که هم از جهت اینکه تلاشی در حوزه فرا نظری است اهمیت دارد و هم از لحاظ این که فهم نوینی به ما از روابط بین‌الملل می‌دهد، مهم است. (مشیرزاده، 1383: 115) سازه‌انگاری اثری

چشمگیر بر مفهوم سیاست خارجی داشته است و بر این پیش فرض استوار است که بازیگران، جهان خود را می سازند و تحلیل سیاست خارجی، از دولت به عنوان یک بازیگر آغاز می شود؛ یعنی بازیگران تفسیر می کنند؛ تصمیم می گیرند؛ اعلام می کنند و اجرا می کنند. (شفیعی و زمانیان، 1390: 124)

جیمز باربر و مایکل اسمیت معتقد هستند که سیاست گزاران جزء اصلی روند تصمیم گیری سیاست خارجی محسوب می شوند. لذا چنانچه این گروه ها نباشند، هیچ رابطه سازمان یافته ای بین این کشورها نمی تواند وجود داشته باشد. سیاست گزاران به عنوان میانجی در جایگاه مهم کارگزاران هیأت نمایندگی قرار می گیرند. (باربر و اسمیت، 1374: 314) سازه انگاری نیز معتقد است که کارگزاران عامل مهم در روند تأثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی کشورها هستند که در جریان تعامل با دیگر کنشگران ساختارها را ایجاد می کنند و بر اساس هویت های متمایز خود که برآمده از محیط داخلی شان است، در این ساختار دست به کنش می زنند و از طرفی هم ساختارها را ایجاد چارچوب ها و قواعدی حیطة عمل کنشگران را محدود می کنند و هویت و منافع آنها را تحت تأثیر قرار می دهند. بر این اساس، سیاست گزاران ترکیه نیز عامل اساسی در شکل دادن بر روند سیاست خارجی این کشور هستند. در دوران حزب عدالت و توسعه با ظهور سیاست گزاران جدید در عرصه سیاسی این کشور، تغییر اساسی در اصول اساسی سیاست خارجی ترکیه اتفاق افتاد و بر این اساس این کشور حضور خود را همزمان در شرق و غرب تقویت کرد.

مفهوم مورد نظر دیگر سازه انگاری هویت است. نظریه سازه انگاری رابطه بین هویت و سیاست خارجی را این گونه تحلیل می کند: بر اساس نظریه سازه انگاری هویتها، تعیین کننده منافع یک دولت هستند و منافع نیز چراغ راهنمای سیاست خارجی کشورها هستند و وقتی دولت ها با یکدیگر تعامل می کنند ساختارها معنایی را می سازند که خودشان نیز از این ساختارها متأثر می شوند و هویتشان در این جریان پویاتغییر می یابد و به تبع آن منافعی نیز بازتعریف می شود. بدین ترتیب بازیگری ممکن است دارای هویت چندگانه باشد. لذا دولت ترکیه برای خود هویت چندگانه ای قائل است. از یکسو خود را کشوری اروپایی می خواند و هویتی اروپایی برای خود قائل است و از طرفی هویتی ترکی و آسیایی برای خود قائل است و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به ایفای نقش می پردازد و از سوی دیگر برای خود هویتی اسلامی قائل است و در منطقه خاورمیانه و جهان عرب حضوری فعال دارد. حضور فعال دولت ترکیه در منطقه به خصوص با وقوع بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تشدید شد. در این مقاله سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی از منظر سازه انگاری بررسی می شود.

سیاست خارجی جدید ترکیه

در سرتاسر قرن بیستم، از بدو تأسیس جمهوری جدید ترکیه، این کشور روابط بسیار نازلی با دولت های تازه استقلال یافته خاورمیانه داشت و به لحاظ سیاسی، رویکرد انزواطلبی و غیر تعاملی را نسبت به اکثر دولت های خاورمیانه در پیش گرفته بود. شرایط دو قطبی جنگ سرد، روحیه انزواطلب و اجتناب گر ترکیه را تقویت کرد. به استثنای چند پیمان محدود در دوران جنگ سرد، شامل پیمان های بغداد و سنتو و همکاری های اقتصادی، مانند روابط اقتصادی با منطقه بعد از بحران نفت، دولت ترکیه این شرایط حذر از خاورمیانه را برای دهه ها دنبال می کرد و برقراری روابط دوستانه با دولتهای خاورمیانه را یک تهدید احتمالی برای فرآیند غربی شدن خود می پنداشت. (Bugra, 2010: 209)

در دوره اوزال تغییر جهت مهمی در سیاست اجتناب ترکیه از خاورمیانه ایجاد شد. سیاست خارجی ترکیه در دوران رهبری تورگوت اوزال از کمالیسم به نئوعثمانیسم تغییر اساسی داده شد. او ابتدا از سال 1983 تا سال 1989 نخست وزیر بود و از سال 1989 تا 1993 (زمان مرگش) هم رئیس جمهور بود. مشخصه بارز دوران او بازسازی اقتصادی و سیاست خارجی فعال و سیاست داخلی محکم و استوار وی بود. (Morinson, 2007: 946) سیاست مداران جدید ترکیه معتقد بودند سیاست آنها برگرفته از دوره عثمانی است. حاکمان عثمانی هم به منظور جلوگیری از تأثیر امواج ملی گرایی اروپایی بر تمامیت داخلی عثمانی و قرار گرفتن در

داخل نظم نوین کنگره 1815 وین، به منظور ایجاد موازنه میان مجموعه تحولات جدید بین المللی با فرهنگ سیاسی داخلی، وارد حرکت های اصلاحی هدایت شده از طرف جریان عثمانی گری شدند. عثمانی گری در داخل تلاش داشت تا با هویتی جدید و تعریف جدیدی از تابعیت، با تجزیه مقابله کرده و در خارج نیز سیاستی متناسب با ارزش های تعریف شده خود در پیش بگیرد. (داوود اوغلو، 1391: 95) بنابراین ترکیه نیز هویت جدیدی از خود تعریف کرده تا بتواند در نقاط مختلف جهان به ایفای نقش بپردازد. زمانی که داوود اوغلو به عنوان مشاور اردوغان انتخاب شد عقاید وی به عنوان "عمق استراتژیک" راهنمای سیاست خارجی اردوغان شد. این عقاید در کتاب داوود اوغلو بیان شده بود. منشأ این دکترین از نوع عثمانی تورگوت اوزال، سیاست خارجی چند بعدی دولت اربکان و ابداع رهیافت داوود اوغلو درباره ژئوپلیتیک گرفته شد. تز اصلی این کتاب این بود که عمق استراتژیک بر عمق تاریخی و جغرافیایی ترکیه دلالت می کرد. ترکیه به عنوان میراث امپراطوری عثمانی عمق جغرافیایی بزرگی داشت. (Morinson , 2007 : 947)

از نگاه داوود اوغلو، ترکیه اگر بخواهد عثمانی گری را در سیاست خارجی خود پیاده کند و بر اساس عمق راهبردی خود حرکت کند، با دو مسأله روبروست: اول مسائل و مشکلات داخلی یعنی اینکه تا این کشور نتواند به شکل مسالمت آمیز مسأله کردها و هم چنین شکاف و اختلاف بین اسلام گرایان و سکولارها را حل و فصل کند نمی تواند در سیاست خارجی خویش موفقیت چندانی کسب کند. دوم، ترکیه برای این که بتواند به بازیگری مهم در منطقه و نظام بین الملل تبدیل شود، ابتدا باید با همسایگان خود رابطه مسالمت آمیز برقرار کند و اختلافات خود را با آنها حل و فصل کند. (امیدی و رضایی، 1390: 241) اینجاست که بعد مهمی از استراتژی داوود اوغلو رخ بر می نمایاند که به استراتژی عدم مشکل با همسایگان معروف است. بر این اساس داوود اوغلو اصول جدید سیاست خارجی ترکیه را بیان می کند که در ادامه به آن می پردازیم.

اصول سیاست خارجی جدید ترکیه

داوود اوغلو معتقد است بر خلاف گذشته ترکیه امروز راهبردی بینش محور را در پیش گرفته است که سیاست گذاری پویای ترکیه را مبتنی بر پنج اصل ممکن می کند: 1- توازن بین آزادی و امنیت 2- صفر کردن مشکلات با همسایگان 3- سیاست های چند بعدی و چند جانبه 4- گفتمان دیپلماتیکی جدید بر اساس سخت گیری- انعطاف 5- دیپلماسی موزون. وی این پنج اصل را مبتنی بر سه اصل روش شناختی می داند. ابتدا این سه اصل را بررسی می کنیم و سپس پنج اصل را توضیح می دهیم:

اولین اصل روش شناختی رویکردی نظری به موضوعات به جای نگرش "بحران محور" می باشد که در طول دوران جنگ سرد بر سیاست خارجی مسلط بود.

دومین اصل روش شناختی بنای سیاست خارجی ترکیه بر یک چارچوب "مستحکم و نظام مند" پیرامون جهان است. از نظر سیاست گزاران این کشور، دیدگاه ترکیه به خاورمیانه در تضاد با رهیافت آن به آسیای مرکزی یا بالکان نیست. رویکرد ترکیه به آسیا در تضاد با رویکرد این دولت به آفریقا هم نیست. ترکیه هم چنین فعالانه در تلاش برای بهبود روابطش با کشورهای همسایه نظیر یونان، عراق و فدراسیون روسیه عمل می کند.

اصل سوم روش شناختی اقتباس یک گفتمان جدید است که منجر به گسترش قدرت نرم ترکیه در منطقه گردد، اگر چه ترکیه نیروی نظامی قوی خود را به دلیل بی ثباتی در همسایگانش حفظ می کند ولی ما تهدید ایجاد نمی کنیم. در واقع دیپلمات ها و سیاست مداران ترکیه زبان جدیدی را در سیاست های منطقه ای و بین المللی در پیش گرفته اند که قدرت مدنی- اقتصادی ترکیه را مقدم می دارد.

این سه رهیافت روش شناختی پنج اصل سیاست خارجی ترکیه را هدایت می کند. (Davutoglu , 2010 : 1-3)

پنج اصلی که مورد نظر داوود اوغلو هستند در ذیل بیان می شود. نکته قابل ذکر این است که بین سیاست های اعلانی و اعمالی کشورها تفاوت وجود دارد. اصولی که متعاقباً بیان می گردند، سیاست های اعلانی دولت ترکیه هستند و بسیار آرمانی به نظر می رسند. فلذا بیان آنها در این مقاله به هیچ وجه به این معنا نیست که در عمل ترکیه پایبند این اصول بوده و آنها را به طور کامل اجرا کرده است.

1) موازنه بین امنیت و آزادی

یکی از انگیزه های اساسی وجود دولت، تأمین امنیت برای شهروندان آن است. مشروعیت سیاسی هر حکومتی از توانایی آن برای فراهم کردن امنیت و آزادی به همراه هم برای شهروندانش می آید. از سال 2004 ترکیه تلاش کرده تا آزادی های مدنی را بدون از بین بردن امنیت ترویج دهد. این هدف با فراهم کردن ابزاری در جهت تأمین امنیت داخلی و نیز مقابله با تهدیدات خارجی به اشکال گوناگون می تواند تحقق یابد. در حوزه داخلی، دولت برخی از آزادی های فردی را تا حد مشخص به نام تأمین امنیت محدود می کند. این اعمال محدودیت نیازمند موازنه ای دقیق بین این دو است. داوود اوغلو تأکید می کند اگر امنیت را به نفع آزادی نادیده بگیرد با ناآرامی و خشم مواجه خواهید شد و اگر آزادی را فدای امنیت نمایید جامعه ای خودکامه و اقتدارگرا را رقم زده اید. ما نمی خواهیم هیچ یک از این دو را نادیده بگیریم. در این بستر هماهنگی بین امنیت و آزادی به عنوان دالی بر موفقیت دولت ها در ایجاد مردم سالاری و نظم داخلی درست بنیاد است. از آنجایی که مشروعیت هر رژیم سیاسی از توانایی آن برای تأمین امنیت شهروندانش ناشی می شود باید در نظر داشته باشید که این امنیت، آزادی ها و حقوق بشر همان مردمان را حاشیه نشین نکند. وی معتقد است که ترکیه اکنون در مرحله ایجاد توازن داخلی بین آزادی و امنیت است. (Davutoglu, 2008: 80)

2) مشکلات صفر با همسایگان

طبق دکترین مذکور، ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کرده و مشکلات و اختلافات فیما بین را از میان بردارد. داوود اوغلو معتقد است رابطه ترکیه با همسایگانش اکنون در قالبی بسیار همکاری جویانه دنبال می شود. وابستگی متقابل اقتصادی بین ترکیه و همسایگانش وجود دارد. برای مثال در سال 2009 ترکیه به پیشرفت دیپلماتیک قابل ملاحظه ای با ارمنستان دست یافت. این سیاست پر بحث ترین اصل جدید سیاست خارجی ترکیه در داخل و خارج از این کشور در میان پژوهشگران، سیاستمداران و جامعه دانشگاهی است. سیاست مشکلات صفر یک امنیت سرزمینی صلح آمیز را به وسیله حل مسالمت آمیز اختلافات و کنار گذاشتن درک از تهدید را مطرح می کند. ریشه کن کردن مشکلات مرزی، تقویت سازوکارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دیپلماسی، مذاکرات بین المللی برای تحکیم وابستگی متقابل چندجانبه در راستای تعمیق و توسعه روابط در این سیاست مورد هدف قرار می گیرند. نمونه های عملی این سیاست، تنش زدایی ترکیه با ارمنستان و همچنین یونان بر سر مسئله قبرس است. (Grigoriadis, 2010: 5)

3) دیپلماسی موزون

این اصل بر دخالت و درگیرسازی فعال در اکثر سازمان های بین المللی و مسائل مهم بین المللی و جهانی دلالت می کند. آموت آریک سفیر پیشین ترکیه در ایالات متحده معتقد است که ترکیه به دنبال ایجاد توازن است. مصطفی آسولا یکی دیگر از سفرای پیشین ترکیه در آمریکا نیز معتقد است که ترکیه خواهان رنجاندن هیچ کشوری نیست چرا که منافعی به خطر می افتد. البته تمایل ترکیه به حفظ روابط با دوستان و همسایگان به صورت همزمان یک سیاست برآمده از ملاحظات بشر دوستانه نیست. به اعتقاد لنور مارتین، سیاست خاورمیانه ای؛ ترکیه را در ایجاد توازن در منافع این کشور با محاسبه تهدیدات مربوط به امنیت ملی اش که از منطقه سرچشمه میگیرد تشویق می کند و حفظ روابط خوب اقتصادی و دیپلماتیک با همسایگان در این راستا قرار

میگیرد. (Esvet, 4: 2009) در همین راستا نمونه هایی از فعالیت عملی این کشور در دوران حزب عدالت و توسعه، در سطح منطقه ای و جهانی بیان می شود: ترکیه یکی از اعضای G-20 است و عضو ناظر در اتحادیه عرب است. همچنین ترکیه 15 سفارت خانه در آفریقا و دو سفارت خانه در آمریکای لاتین باز کرده است که این اقدام ترکیه ابتکار دیپلماتیکی جدیدی قلمداد می شود. این کشور در سال 2008 نیز با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس یادداشت تفاهمی امضا کرد و هر ساله نشست مشترک بین ترکیه و اعضای این شورا برگزار می شود. حضور این کشور در اکو و سازمان همکاری اسلامی نیز در این راستا ارزیابی می شود.

4) سیاست خارجی چند بعدی

سیاست خارجی چند بعدی درباره سیاست خارجی جدید ترکیه به معنای کنار گذاشتن سیاست امنیت و هویت محور تک بعدی است. بر این مبنا سیاست خارجی باید طیف وسیعی از موضوعات از ملاحظات فرهنگی گرفته تا اقتصاد، دیپلماسی و سیاست را در بر گیرد. به دلیل وضعیت کانون بندی حاکم بر دوره جنگ سرد موضوعات امنیتی مهم ترین مسائل حاکم بر سیاست بین الملل بود. دوره بعد از جنگ سرد نظام بین الملل پویایی بیشتری یافت و راه برای بدیل های مختلف هموار شد. داوود اوغلو در این زمینه معتقد است که موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه به صورت مستقیم ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین قدرت و احتمالات ممکن برای آن را تحت تأثیر قرار می دهد و این امر ترکیه را مجبور می کند تا یک سیاست خارجی چند بعدی و جامع الاطراف داشته باشد. روابط ترکیه با دیگر بازیگران جهان بر پایه تکامل و نه رقابت صورت می گیرد. روابط ترکیه با ایالات متحده در قالب همکاری با ناتو، توجه این کشور به پروسه عضویت در اتحادیه اروپا، سیاست همسایه ای نسبتاً خوب با روسیه و سیاست تقریباً همگام و منطبق این کشور در اوراسیا به عنوان قسمت های مختلف یک سیاست خارجی سازگار هستند که مکمل یکدیگرند. این امر نشانگر این است که رابطه خوب با روسیه به عنوان یک جایگزین برای رابطه با اتحادیه اروپا نیست. (Davutoglu, 2012 : 3) جلوه عملی سیاست خارجی چند بعدی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه تلاش این دولت برای حضور در اتحادیه اروپا، بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه است.

5) گفتمان دیپلماسی جدید انعطاف پذیری - سخت گیری

اصل مؤثر دیگر دیپلماسی صلح بازدارنده است که به پیشگیری از ظهور بحران ها کمک می کند. سیاست منطقه ای ترکیه مبتنی بر امنیت برای همه، گفتگوی سیاسی در سطح بالا، همگرایی اقتصادی و وابستگی و همزیستی چند فرهنگی است. میانجی گری ترکیه بین اسرائیل و سوریه را می توان به عنوان یک نمونه بیان کرد. مثال های دیگر از دیپلماسی بازدارنده در برگیرنده تلاش های ترکیه برای مصالحه سنی - شیعه در عراق، تلاش های آشتی جویانه در لبنان و فلسطین، مصالحه صرب - بوسنیایی در بالکان، مذاکره بین افغانستان و پاکستان و بازسازی دارفور و سومالی است. (مفیدی احمدی، 1389: 1078) بنا بر نظر داوود اوغلو، ترکیه اکنون در پی مشارکت مداوم در مسائل جهانی با به کارگیری خط مشی های بین المللی است که گذار ترکیه از یک موقعیت مرکزی به یک قدرت جهانی را تضمین نماید. هر چند وی تأکید می کند که این گذار نتیجه کارایی تمام بازیگران درگیر در سیاست خارجی ترکیه از سیاست های دولتی گرفته تا فعالیت های جامعه مدنی، سازمان های تجاری و سازمان هایی دیگر که همگی بینش جدیدی را اتخاذ کرده اند می باشد. راهبرد کلان ترکیه مطابق با راهبردهای کوتاه مدت فرد فرد مردم، همکاران و سازمان های جامعه مدنی آن می باشد. (Davutoglu, 2008 : 82)

اهداف سیاست خارجی جدید ترکیه

امروزه ترکیه اهداف زیادی را در حوزه بین الملل دنبال می کند. مهم تر آن که گروه مهمی از کشورهایی وجود دارند که به دقت به وضعیت ترکیه درباره هزاران مسئله منطقه ای و بین المللی توجه می کنند. با توجه به آنچه که از سخنان سیاستمداران ترکیه برمی

آید، این کشور به دنبال آن است که به یک قدرت مهم منطقه ای و بین المللی تبدیل شود و تا سال 2023 که صدمین سالگرد تأسیس ترکیه نوین است، به یکی از ده قدرت اقتصادی برتر در جهان تبدیل شود. در این راستا مقامات این کشور معتقدند که باید گفت‌وگو ملی و گفت‌وگو سیاست خارجی این کشور در یک راستا و به موازات هم حرکت کنند تا در پیگیری اهداف خود با مشکل روبرو نشوند.

اهداف آرمانی سیاست خارجی ترکیه و تصویر چگونگی رسیدن به آنها واضح است. ترکیه به زعم سیاست گزاران داخلی این دولت، برای دهه آینده اهداف چندگانه ای را مد نظر دارد:

1- شرایط عضویت در اتحادیه اروپا را به دست آورد و تا سال 2023 به عنوان یکی از اعضای مؤثر این اتحادیه تبدیل شود.

2- تلاش خود را برای همگرایی منطقه ای در قالب همکاری های امنیتی و سیاسی ادامه دهد.

3- تلاش کند تا یک نقش فعال در حل درگیری ها و منازعات منطقه ای ایفا کند.

4- مشارکت فعال در تمام عرصه های جهانی داشته باشد.

5- نقش تعیین کننده در تمام سازمان های بین المللی بازی کند و یکی از ده اقتصاد برتر جهان شود. (Davutoglu, 2012:2)

چرایی حضور فعال ترکیه در بیداری اسلامی جهان عرب

درواقعت تفاوتها و سیاست خارجیتر کیه در دور انحراف بعدالتو توسعه با حکومتها یقبلیکه بیشتر بر مبنای کترینتعیین شده از سوی اتاتور کاعمال میشد ایناست که در سیاست خارجی ترکیه کمالیستیتو جهببساختارهایمادیژئوپلیتیک وژئواکونومیکیانکشور عاملهممیرا پیوستن به روند هایاروپا پیودور یاز روندهایعربیوبهویژهاسلامیبه عنوان ساختار معنایی، مورد توجه قرار میگرفت. اما در دهه استمضمنیگیریگسترشمناسباتبا اتحادیه اروپا و آمریکا و در راستای مواز نهاد هیوتکمیلو تا مینبیشترین منافع و علاقه یترکیه، سیاست خارجیتر کیه در

خاور میانه، جهان اسلام، روسیه، آمریکا و لاتینوحتیافریقا حضور فعالتریرا به نمایش بگذارد. لذا بر اساس رهیافت سازه انگاری می توان گفت که ترکیه در تحولات سال 2010 و 2011 جهان عرب نقش فعال داشته است. چون ترکیه در تعریف هویت ملی خود تغییراتی معنایی به وجود آورده است و بر اساس هویت تاریخی و جغرافیایی خود به دنبال بهبود روابط با کشورهای منطقه بوده است. از طرفی هم این کشور بر اساس هویت اسلامی خود نوعی هم ذات پنداری با کشورهای جهان عرب دارد و به خصوص با جنبش اخوان المسلمین مصر نوعی احساس نزدیکی می کند. بر این اساس سعی کرد تا در جریان بیداری اسلامی در کشورهای عربی از این قضیه استفاده کرده و بهایفای نقش فعال و تأثیرگذار در این کشورها پردازد و این کشورها را تشویق کند تا از مدل اسلامی- لائیک ترکیه استفاده کنند. در این بخش به دنبال این هستیم تا ببینیم چرا ترکیه در تحولات جهان عرب نقش فعالی داشته است:

1) تلاش برای گسترش مدل اسلام ترکیه ای در منطقه

وقوع بیداری اسلامی در کشورهای جهان عرب این فرصت را برای ترکیه فراهم آورد تا به طور جدی این هدف را پیگیری کند. یکی از مهم ترین فرصت های پیش روی این کشور، مطرح شدن جدی الگوی دموکراسی ترکیه در سطح منطقه بود. ترکیه به دنبال این است که خود را به عنوان یک الگوی موفق در میان کشورهای عربی نشان دهد. به ادعای برخی صاحب نظران، دلیل ایجاد دموکراسی نسبتاً موفق در ترکیه نیز، علاوه بر تغییر نخبگان در رأس دولت، سعی در بر چیدن ساختارهای استبدادی، رسانه های نسبتاً آزاد، رقابت سیاسی تقریباً مؤثر و تلاش برای بالا بردن آستانه تحمل مردم در پذیرفتن فرهنگ ها و سبک زندگی افراد،

است. (Mamedov and Makarov, 2011: 44) حامیان تسری الگوی ترکیه به کشورهای منطقه معتقدند که جنبه های اسلامی حکومت ترکیه که از آن به عنوان اسلام میانه رو یاد می کنند از یک طرف ونیز تأکید ویژه بر توسعه و پیشرفت اقتصادی زمینه بالایی برای پذیرش این نوع حکومت در کشورهای منطقه ایجاد می کند. (Protopapas, 2011) اردوغان در سفر خود به مصر در گفتگویی با یکی از شبکه های تلویزیونی خصوصی مصر به نام Dream TV گفت که مصری ها باید قانون اساسی خود را بر اساس سکولاریسم بنا کنند. (روزنامه تهران امروز، 1390: 4) وی هم چنین معتقد بود: حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، یک مدل سیاسی خاص است که در آن دموکراسی سکولار اجرا می شود و می تواند به عنوان الگوی اخوان المسلمین مصر مورد استفاده قرار گیرد. (Shabi, Algazeera: 2011) این سخنان بیانگر این است که ترکیه سعی کرد از فرصت پیش آمده به بهترین نحو استفاده کند و سیاست خارجی جدید خود را در منطقه عملی کند. علاوه بر این که ترکیه مدعی این بود که بهترین مدل برای کشورهای منطقه مدل حکومت سکولاریسم ترکیه است، کشورهای عربی نیز مدل ترکیه را مدل مناسبی برای منطقه می دیدند. قبل از انقلاب های کشورهای عربی، طبق نظرسنجی مرکز مطالعات اجتماعی و اقتصادی ترکیه در کشورهای مصر، عربستان سعودی، عراق، فلسطین، لبنان و سوریه، 65 درصد پاسخ دهندگان معتقد بودند ترکیه مدل مناسبی برای منطقه است، زیرا این کشور تحت حاکمیت حزب محافظه کار مذهبی عدالت و توسعه توانسته است اسلام، دموکراسی و اقتصاد موفق را با هم تلفیق کند. (Mamedov and Makarov, 2011: 44) همچنین بر اساس نظر سنجی مؤسسه گالوپ در دسامبر 2011 که در مصر صورت گرفت و بر اساس آن از مردم پرسیده شد که کدام مدل حکومتی را برای آینده دولت مصر قبول دارند، نشان داده شد که 11 درصد مردم مصر خواهان مدل حکومتی ترکیه در مصر هستند، در حالیکه در ماه مارس نتیجه این نظر سنجی 2 درصد بود. (Younis, 2011: 109) این نشان می دهد که مردم مصر بیشتر به مدل حکومتی ترکیه تمایل پیدا کرده اند. البته اقبال به مدل دموکراسی ترکیه، نه به خاطر موفقیت آمیز بودن آن، که خود موضوعی سؤال برانگیز است، بلکه بیشتر به خاطر خودکامگی و عقب ماندگی سیاسی کشورهای عربی می باشد که الگوی ترکیه می تواند برای آنها جذابیت داشته باشد.

2) تلاش برای تبدیل شدن به پلی میان خاورمیانه اسلامی با آمریکا و اتحادیه اروپا

ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی خود از طرفی هویت اسلامی برای خود قائل است و از طرفی هم خواهان هویتی اروپایی است. این کشور خود را پل و واسطی می داند که می تواند به عنوان رابط بین مناطق اسلامی با اروپا و آمریکا عمل کند و تحولات هر یک از این مناطق را به یکدیگر منتقل کند. در همین راستا ترکیه در صدد است تا به اتحادیه اروپا ملحق شود و از هر فرصتی برای رسیدن به این هدف خود استفاده می کند. یکی از اتفاقاتی که ترکیه از آن برای رسیدن به هدف خود بهره برداری کرد وقوع بیداری اسلامی در کشورهای عربی است. ترکیه تلاش کرد تا از فرصت به وجود آمده در خاورمیانه در راستای اثبات اقتدار خویش برای الحاق به اتحادیه اروپا بهره مند شود. در واقع مقامات ترکیه از طریق دخالت در تحولات سیاسی منطقه قصد قبول این موضوع را به دولتمردان اروپایی داشتند که پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا به معنای دستیابی به یک اهرم مناسب جهت تأثیر گذاری بر مسائل منطقه است. اظهارات «کاترین اشتون» نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور امنیتی و سیاست خارجی در مورد اینکه تحولات منطقه خاورمیانه اهمیت ترکیه را برای اتحادیه اروپا افزایش داده، انگیزه مقامات ترک جهت افزایش فعالیت هایشان در منطقه را بیشتر کرد. کاترین اشتون مسئول ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا اظهار داشته که «تردید نیست ما رابطه ای عالی در عرصه سیاست خارجی با ترکیه داریم و به اعتقاد من بسیار اهمیت دارد که مدار همسایگی های مشترک خود را منافع مشترک استفاده کنیم». روشناست موضوعات بسیار بزرگ و بحث و گفتگو بین ما وجود دارد.

این موضوعات شامل سوریه، ایران، مصر و هر چیز دیگری می شود که در منطقه ی خاورمیانه رخ می دهد. قفقاز و منطقه ی غربی بالکان هم جزو موضوعات است که همان باید در روابط خود با ترکیه آنها را فراموش نکنیم. این امر البته الزاماتی را نیز بر نحوه ورود ترکیه به تحولات خاورمیانه تحمیل کرده است. از جمله اینکه تمایل به تسهیل مسیر عضویت در اتحادیه اروپا، آنکارا را ناگزیر از اتخاذ سیاست های همسو با غرب کرده است. موضع اولیه ترکیه در قبال لیبی (و مخالفت با اقدام نظامی علیه این کشور) نگرانی های

فزاینده آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد قابلیت و اعتبار ترکیه به عنوان یک متحد را افزایش داد. (Clive Leviev- Sawyer, 2011)

گروهیاز تحلیلگران نیز همسویتر کیهبآمریکاواروپادر جریانرویدادهایلیبریاگامجدیدو مثبت ترکیهجهتپذیرشاینکشوردراتحادیهاروپااریابی کردند. وزیرخارجهآلمانیزاعلام داشت که رویدادهایکشورهایعربی،اهمیت گفتگویاتحادیهاروپااترکیهرا نشاناداهوبرایازبینردنبحرانهایجهانیلازماساتحادیهاروپاوناوقدرتمندباشندوبهاینمنظورباپدسیاستهایمشتتر کامنیثیودفاعیتقویتشود. بنابراینتقویتروابطباآمریکا، روسیهوترکیهحیازاهمیتبودهوبهویژهرویدادهایکشورهایعربیبهمانشاناداکهروابطراهب ردیباترکیهتاچهاندازهحیازاهمیتاست. (فاضلی، 1390: 7) اردوغان که به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ترکیه و اتحادیه اروپا به خوبی آگاه است سعی می کند با شعارهای دموکراتیک درخصوص بحران اعراب، متناسب با معیارهای کپنهاگ در مورد روند پیوستن به اتحادیه اروپا حرکت کند. او اعلام کرده است توصیف حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب اسلامی هم توهین به حزب و هم توهین به اسلام است، زیرا آزادی های دینی ارتباطی با دولت دینی نداشته و جزئی از آزادی فردی است که میثاق های اروپایی هم به آنها اشاره می کند. بنابراین در مداخله انقلاب های کشورهای عربی بیشتر از مفاهیم دموکراسی و حقوق بشر استفاده می کند که باب طبع اتحادیه اروپاست.

3) حمایت از منافع آمریکا در جهان عرب

با پایان جنگ سرد، غرب به دنبال این است که ترکیه را به عنوان یک مدل مناسب برای مسلمانان جهان معرفی کند. از آنجایی که آمریکا خودش به صورت مستقیم نمی توانست در منطقه حضور داشته باشد و از سوی دیگر، کشورهایی که در آنها بیداری اسلامی رخ داده نسبت به آمریکا بدبین شده اند، زیرا دیکتاتورهایی که قبلاً در کشورهای مصر، تونس و لیبی حکومت می کردند رابطه نزدیکی با آمریکا داشتند و وابسته به این کشور بودند، به همین دلیل مردم معترض و انقلابی دخالته آمریکا را تحمل نمی کردند و این کشور از نقش آفرینی ترکیه حمایت می کرد. همچنین آمریکا به دنبال این بود که الگویی جانشین برای حکومت های دیکتاتور سابق باشد که خصومتی با این کشور نداشته باشد، به همین دلیل الگوی ترکیه را مدل مناسبی برای این هدف می دید. از طرف دیگر، ترکیه و آمریکا منافع مشترکی نیز در منطقه داشته و می خواستند که از گسترش مدل مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری کنند و مدل لائیک-اسلامی ترکیه را پیاده کنند. همچنین کشورهای منطقه از مناطق نفت خیز و منبع انرژی هستند و ترکیه و آمریکا نمی خواستند نفوذ خود در این مناطق را از دست بدهند. ابرتپرسون، دیپلمات پیشین آمریکا یوسفیرپیشیناینگشوردراآکارا می گوید: روابطترکیه و آمریکا از دسامبر 2010 یعنیاز زمانشروعانقلابتونسشکلجدیدیدگرفت. درآغازانقلابتونسبهنظر می رسیدترکیه و آمریکا ازیکدیگرفاصلهزیادیدارند. همزمانباپیشرفتانقلابتونسشاهدبودیمترکیه و آمریکا بهیکدیگرنزدیک ترشدند. ناتودرنهایتواردشددورتعیینسنروشتلیبنقشیتعیینکنندهرعهدهگرفت. آمریکا

وترکیهدرمورددمکراسیموضعییکسانگرفتند. بهنظرمهمی این ها نشان می دهددوکشورتکیه و آمریکا نشان داده اند، می توانندروپچیزیکهارزشدارددرروابطخودمتمركزباشندوهمکاریکنند. دوکشورتاحدینشان داده اند

می توانندمنافعجداگانهومشترکخودرا درچارچوبیکهبهخوبیمدیریت می شود، دنبالکنند. دوکشورانعطافپذیریرادرسایه ی تغییروضعیتبرایتامین منافععملیخودنشان داده اند. (بولتن مؤسسه خاورمیانه، 1391: 9) راسویلسون سفیر پیشین آمریکا در ترکیه از سال 2005 تا 2008 در میزگردی تحت عنوان " ترکیه، اتحادیه اروپا و آمریکا: تکوین مشارکت های دوره پس از بهار عربی " معتقد است که هرچنداختلافاتشدیدی میانترکیه و آمریکا

درگذشتهوجودداشتهماروابطمیاندوکشوردردوسالگذشتهبهبودیچشمگیرداشتهاست. چندینتغییردراینبهبودروابطتأثیرگذاربوده است. بیداریربیمنافعمشترکدوکشوررا برجسته تر ساخته است. آنکاراواوشنگتتا اینکدراینادیشه اند کهچگونهنه پایدبافرصت ها وتهدیداتیمواجهشوند کههمدر مقابلترکیهوهمدرمقابل آمریکا نمایان شده است.

در هر دو کشور یک تغییر موضع در زمینه حمایت از دموکراسی و پایداری نهادها و حمایت از رژیم‌های دیکتاتوریمشاهده می‌شود. (بولتن مؤسسه خاورمیانه، 1391: 16-17)

4) تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه ای

از ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به ویژه در سال‌های اخیر، دولت ترکیه تلاش‌های گسترده‌ای را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی برای تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در حوزه خاورمیانه سازمان داده است. این تلاش‌ها در چارچوب اجرای راهبرد متوازن ساختن سیاست خارجی که بر تخصیص ظرفیت‌های مورد نیاز جهت تقویت نقش و نفوذ آنکارا در معادلات و ترتیبات خاورمیانه همزمان با تداوم و توسعه روابط با غرب دلالت داشت، پیگیری شده است. اهداف راهبردی ترکیه تا سال 2023 چنین پایه گذاری شده است که این کشور بتواند تا آن تاریخ در زیر سیستم‌های منطقه‌ای به عنوان مرکز و در نظام بین‌المللی به عنوان بازیگر تأثیرگذار شناخته شود. این اهداف در فرهنگ سیاسی ملت ترکیه نهادینه شده و رفتار سیاسی‌شان متأثر از آن است. به همین علت گفته می‌شود ترکیه در تحولات جهان عرب به دنبال احیای امپراطوری عثمانی و رهبری جهان اسلام بود و می‌خواست عمق تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی خود را احیا کند.

در این راستا، دولتمردان ترک تلاش کردند تا از تحولات سیاسی و انقلاب‌های خاورمیانه به عنوان فرصتی برای نقش آفرینی بیشتر در تحولات منطقه بهره‌برداری نمایند. اتخاذ مواضع صریح در قبال برخی انقلاب‌های منطقه به ویژه انقلاب مصر، تلاش برای میانجیگری میان مخالفان و مقامات حکومتی در برخی کشورهایی که شاهد خیزش مردمی بودند، دعوت از نخبگان و انقلابیون مصر و تونس برای سفر به ترکیه، برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی در خاک ترکیه از جمله تمهیدات آنکارا برای نقش آفرینی در مسائل منطقه بود. مهدی سنایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در گفتگو با فردا، با بیان اینکه ترکیه به دنبال احیای امپراطوری عثمانی در منطقه است و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حزب عدالت و توسعه خلافت اسلامی جدیدی را در منطقه مطرح می‌کند و در همین جهت نیز سوریه را که یکی از محورهای اصلی مقاومت منطقه است را تحت فشار قرار داده است. (www.tabnak.ir)

موقعیت ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان ویکی از اعضای ناتو و میهن‌مناسیبر برای بهره‌گیری آنکارا از تحولات جدید منطقه در راستای تقویت موقعیت خویش فراهم کرده است. برخورداری از این موقعیت سبب شده است که به برخی کارشناسان نظیر «جوشا والکر» از مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه برن‌دیس ترکیه بر این اعتقاد باشند که در پرتو تحولات نوین خاورمیانه، آنکارا هم‌اکنون خود را به عنوان یک بازیگر مهم و نقطه اتکا برای بازیگران منطقه معرفی کرده است (Walker, 2011) به ویژه با توجه به تضعیف موقعیت مصر و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم در منطقه (به واسطه تحولات داخلی و بی‌ثباتی سیاسی) اکنون ترکیه فضای بیشتری را برای توسعه نفوذ منطقه‌ای پیش روی خود می‌بیند.

5) تلاش برای رهبری در اصلاحات منطقه و رقابت هویتی با ایران

دولتمردان ترک در راستای افزایش نفوذ منطقه‌ای کشورشان تلاش کردند تا خود را حامی جدی آغاز اصلاحات اساسی در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دهند و حتی رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه را بر عهده گیرند. برخی بر این اعتقادند که ترکیه در پیگیری این اهداف از انگیزه‌های رقابت با ایران نیز برخوردار بود چه اینکه جمهوری اسلامی ایران هم به واسطه تجربه مهم‌ترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل و هم دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی از موقعیت ممتازی برای تأثیرگذاری بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار است به گونه‌ای که برخی محافل غربی و اسرائیلی از ابتدای شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه نسبت به تأثیر پذیری آنها از گفتمان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی می‌کردند. سایت تحلیلی تبیینی برهان در 6 بهمن 1390 چنین استدلال نمود که در چند سال اخیر، به خصوص بعد از تحولات مربوط به بیداری اسلامی جهان

عرب، غربی‌ها و یا غرب‌زدگان منطقه از ترس گسترش ماهیت پیام انقلاب اسلامی ایران در منطقه، سعی کرده‌اند تا نظام سیاسی ترکیه را الگوی انقلابیون جهان عرب قلمداد نمایند و از طرفی شرایط را برای حضور دیپلماسی ترکیه در جهان عرب را پررنگ‌تر کنند. حتی این گونه محافل پا را از این فراتر گذاشته و بر اتحاد استراتژیک اعراب منطقه با ترکیه در مقابل ایران تأکید کردند. (جام نیوز: 1390/11/8)

برای دستیابی به این هدف، ترکیه از جمله ابزارها و راهبردهای مختلفی استفاده کرد که برقراری ارتباط با جنبش اخوان المسلمین مهم‌ترین آنهاست. ترکیه به دنبال این است که اسلام اخوان المسلمین را در برابر اسلام القاعده ای تقویت کند، هرچند در عمل حتی از اسلام القاعده نیز در سوریه دفاع می‌کند. ریشه‌های اسلامی حزب عدالت و توسعه از گذشته زمینه‌های تماس آن با جنبش اخوان المسلمین را فراهم ساخته بود. بر اساس برخی اظهار نظرها، از سال 2006 ترکیه به محوری جدید برای جنبش جهانی اخوان المسلمین تبدیل شده است. (Bayaziddi, Kurdish global: 2011) به‌ویژه مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال اسرائیل با استقبال جنبش اخوان المسلمین در کشورهای مختلف عربی مواجه شده بود. به عنوان مثال در اوایل سال 2009 گروه اخوان المسلمین اردن با ستایش از موضع دولت و ملت ترکیه در قبال مسئله فلسطین و اسرائیل از کشورهای عربی خواسته بود که از ترکیه درس بگیرند. این اتفاقات نزدیکی بیشتر اخوان المسلمین به ترکیه را در پی داشت.

از طرف دیگر ترکیه در پی این است که اسلام سنی را در برابر اسلام شیعی گسترش دهد. ترکیه دارای جایگاه ویژه در میان کشورهای اسلامی است که ناشی از به ارث بردن میراث امپراتوری عثمانی به عنوان حافظ جهان اسلام و به ویژه جهان اهل تسنن می‌باشد. امپراتوری عثمانی قرن‌ها نماد خلافت اسلامی به ویژه در میان اهل سنت بوده است و هنگامی که حکومت رجب طیب اردوغان بر میراث اسلامی ترکیه تأکید می‌کند در اذهان اهل سنت خلافت اسلامی تداعی می‌گردد؛ اگر چه برخی اعراب نه تنها به حکومت عثمانی علاقه‌ای ندارند، بلکه تنفر شدیدی نیز بروز می‌دهند. با توجه به همین علائق، ترکیه، الگوی دولت عدالت و توسعه اردوغان را دارای ظرفیت الگو برداری توسط اسلام‌گرایان کشورهای عربی می‌داند. لازم به ذکر است که الگوی حکومت اسلامی ایران به علت این که توسط کشوری شیعی ارائه می‌شود زمینه‌های بروز سوء تفاهم را بین کشورهای سنی‌دارا می‌باشد و نوعی جبهه‌گیری منفی و پیشداوری زود هنگام در خصوص آن وجود دارد و از طرفی نیز متأسفانه رسانه‌های غربی و عربی سعی می‌کنند فضای بسیار منفی در خصوص تشکیل هلال شیعی توسط ایران ایجاد کنند. بنابراین یکی از محل‌های اختلاف ایران با ترکیه که به ویژه با شکل‌گیری تحولات جهان عرب بروز و ظهور بیشتری یافته است همان رقابت دو نظام حکومتی جمهوری اسلامی در ایران و حکومت لائیک-اسلامی در ترکیه می‌باشد.

ایران و ترکیه با الگوهای ویژه خود در پی نفوذ هر چه بیشتر بر منطقه خاور میانه هستند و با یکدیگر رقابت می‌کنند. لازم به ذکر است اعمال فشارهای بین‌المللی تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و فناوری بر ایران، موجبات تقویت نفوذ مدل ترکیه را افزایش می‌دهد. اشغال عراق توسط آمریکا سبب بروز اختلافات موجود بین دو محور شیعه و سنی در خاورمیانه و به ویژه عراق شد. در این بین ایران با توجه به نزدیکی با مخالفان رژیم صدام اعم از کرد، سنی، عرب و شیعه و به علت برخورداری از ریشه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی و قومی عمیق با ملت عراق توانست به یکی از بازیگران درجه اول صحنه عراق تبدیل گردد. اما ترکیه که دارای چنین جایگاهی نبود بعنوان بازیگر درجه دوم به ایفای نقش پرداخت و سعی کرد با هر دو محور شیعی و سنی در عراق و منطقه روابط برقرار کند. اما با وقوع تحولات بیداری اسلامی، روند مناسبات دگرگون شد. زیرا از سویی مصر در محور سنی و سوریه در محور شیعی دچار وضعیت‌های بحرانی گردیدند و معادلات پیشین بهم خورد و عراق در حاشیه قرار گرفت. (مرجانی نژاد، ایرنا: 1391)

رابینزایتکارشناس مرکز بین‌المللی دودروویلسون آمریکا در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که کاردر کشورهای عربی (به‌نفع ترکیه) خاتمه یافته‌است. کشورهای عربی هر دو مدل دینسالاری شیعی ایران و سلطنت دین‌سنی سنی‌سبک عربستان سعودی را رد می‌کنند.

هیچیکاز ایندومدلمدنظر نیستندومدلترکیه

آن

چیزیکه آنها

می خواهند نزدیک تر است، چه حز بیدر مغربکه نامیشابه باحز بعدالتو توسعهر ابر گزیده و حقتشکیلدولتر ابدستأورد هاستو چه سلفی های مصر که حز بیدر مغرب نامیشابه باحز بعدالتو توسعه ی ترکیهتشکیل داده اند. همه ی آنها در پی اینمدل هستندوبه صورت واقع بینانه مثلترک ها صحبت می کنند.(بولتن مؤسسه خاورمیانه، 1391: 14)

چگونگی حضور فعال ترکیه در بیداری اسلامی در جهان عرب

در جریان خیزش های مردمی جهان عرب و تحولات 2011، ترکیه تلاش کرد تا نقش فعالانه ای ایفا کند و به حفظ منافع و تقویت نقش منطقه ای خود بپردازد. این کشور با توجه به منافع و روابط خاص خود در هر یک از کشورهای دچار تحول، به گونه ای خاص رفتار کرد.

ترکیه و تونس

تونس اولین کشور حوزه شمال آفریقا و خاورمیانه بود که انقلاب مردمی در آن اتفاق افتاد. تحولات این کشور سر آغازی برای به راه افتادن موج انقلاب های مردمی در سایر کشورهای منطقه بود. در واقع انقلاب تونس الهام بخش مردم سایر کشورهای منطقه برای طرح و پیگیری مطالبات خود جهت تغییر نظام های اقتدارگرا بود. بر این اساس سیاست خارجی ترکیه در برابر تحولات تونس را در دو مرحله می توان بررسی کرد: الف) نظاره گری، ب) حمایت از مردم.

1) نظاره گری

ترکیه در قبال انقلاب تونس موضع ناظر را انتخاب کرد. در مورد اینکه چرا دولت ترکیه در دوره شکل گیری انقلاب مردمی در تونس و سقوط رژیم بن علی موضع صریحی در قبال تحولات این کشور نداشت می توان به عوامل مختلفی اشاره کرد: 1) در ابتدای امر، ترکیه تحولات داخل کشور تونس را امری داخلی به حساب می آورد و به همین دلیل بر اساس اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، ترجیح داد در این امور دخالت نکند و موضع ناظر را در قبال این انقلاب در پیش بگیرد. 2) دومین علت، سرعت تحولات در تونس بود. در واقع فاصله زمانی شکل گیری انقلاب تا سقوط رژیم سیاسی در تونس آنچنان کوتاه بود که بسیاری از کشورها از جمله ترکیه را در یک وضعیت غافلگیری و تردید قرار می داد. 3) از سوی دیگر اهمیت انقلاب تونس نه در زمان وقوع بلکه ماه ها پس از آن معلوم شد و این زمانی بود که سایر ملت های منطقه با الهام از انقلاب تونس به خیابان ها آمده و بر ضد رژیم های دیکتاتوری خود انقلاب کردند. از این رو موضعگیری نسبت به تحولات تونس از سوی بسیاری از کشورها همچون ترکیه در مقایسه با انقلاب های بعدی کمتر و کم رنگ تر بود. با این حال بعد از این که ترکیه به اهمیت انقلاب های منطقه پی برد، در برابر انقلاب در تونس نیز سیاست خارجی فعالی را در پیش گرفت.

2) حمایت از انقلاب تونس

بعد از این که بیداری اسلامی در تونس به نتیجه رسید و حکومت بن علی ساقط شد، اهمیت این انقلاب مشخص شد و از همه مهم تر اینکه این تحول مقدمه ای برای تحولات در کشورهای عربی دیگر شد. بنابراین اردوغان با صدور اعلامیه ای از انقلاب تونس حمایت کرد. حمایت ترکیه از تونس به دو صورت بود: 1) سفر مقامات ترکیه ای به تونس 2) سفر مقامات تونس به ترکیه.

1-2) سفر مقامات ترکیه به تونس

1- اردوغان در 23 شهریور 1390 عازم تونس شده و با فؤاد المبضا، کفیل ریاست جمهوری، الباجی قائد السبسی، نخست وزیر و رهبران سیاسی تونس دیدار و گفت و گو کرد. (Algazeera: 25/March/2011) (رجب طیب اردوغان در تونس با تأکید بر پیشنهاد خود برای تأسیس حکومتی سکولار در مصر بر موضع خود پافشاری کرده و پس از دیدار با همتای تونس خود «الباجی السبسی» مدل قانون اساسی مبتنی بر سکولاریسم را که برای مصر پیشنهاد کرده بود به تونس نیز پیشنهاد داد. اصلی ترین نکات سخنان اردوغان را مطالب زیر تشکیل می دهد: «انقلاب های صورت گرفته در منطقه باید نوع جدیدی از سکولاریسم را تجربه کنند. در ترکیه مدلی از دموکراسی مبتنی بر سکولاریسم وجود دارد. این نوع سکولاریسم، فاصله ی موجود بین سایر مذاهب را از بین برده است. در این مدل از دموکراسی بین مسلمان، یهودیان و مسیحیان تفاوتی وجود ندارد.» اردوغان با تأیید سازگاری بین اسلام و دموکراسی ادامه داد: «تونس اثبات خواهد کرد، دموکراسی و اسلام می توانند با هم سازگار باشند ... (السن، ۱۳۹۰: ۲۶)

2- احمد داود اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه بعد از سقوط بن علی به تونس سفر کرد. وی در این دیدار انقلاب تونس را مدلی برای سایر کشورها جهت پیگیری اصلاحات خواند و نسبت به انتقال آرام و مسالمت آمیز قدرت در این کشور ابراز امیدواری کرد. داود اوغلو در دیدار با مقامات تونس تأکید کرد که دولت موقت تونس نیازمند انجام تغییرات در قانون اساسی و تشکیل نهادهای مورد نیاز برای اطمینان از حاکمیت قانون است. وی با تأکید بر ضرورت تشکیل احزاب در تونس و یادآوری این موضوع که ترکیه از سال 1946 به سمت یک نظام چند حزبی حرکت کرده است، خواستار تکرار تجربه ترکیه در تونس شد و از مقامات دولت موقت این کشور خواست که نسبت به رفع تردیدها در مورد سلامت انتخابات آتی در تونس اهتمام ورزند. (Ravuz, 2011)

2-2 دعوت مقامات تونس به ترکیه

ترکیه در کنار اقدامات سطح بالایی چون اعزام نخست وزیر و وزیر امور خارجه خود به تونس ابتکارات دیگری را نیز برای اثر گذاری بر تحولات تونس به انجام رساند.

1- وزارت امور خارجه ترکیه با همکاری یک مؤسسه مطالعاتی از شخصیت های برجسته انقلابی تونس دعوت کرد تا با سفر به این کشور با تجارب دموکراتیک ترکیه آشنا شوند. در این راستا، ترکیه از جوانان انقلابی، نمایندگان رسانه ها و نهادهای جامعه مدنی تونس دعوت کرد تا بین روزهای سوم تا هشتم ژوئیه 2011 از ترکیه دیدار کنند. هدف از دعوت از این هیئت کسب آگاهی از تجربه انتخابات دموکراتیک ترکیه، در سلسله دیدارها با مقامات و نهادهای جامعه مدنی ترکیه عنوان گردید.

2- سفر راشد الغنوشی به ترکیه یکی دیگر از نمونه های سفر مقامات تونس به ترکیه است. راشد الغنوشی رهبر تبعیدی اسلامگرایان تونس پس از بازگشت به کشورش اعلام کرد که خود را به لحاظ فکری نزدیک به حزب عدالت و توسعه ترکیه می داند. وی همچنین اعلام کرد که نظام ترکیه الگویی برای همزیستی اسلام و نوگرایی عرضه می کند و تمام منطقه هم الآن به همین سمت می رود و می خواهد که اسلام را با نوگرایی و دموکراسی و پیشرفت همراه کند. در تونس و مصر هم همین طور شده، در حالی که الگوی غربی با مشکلات بزرگی مواجه است. (Financial Times: 2011) غنوشی با طرح تجربه ترکیه به عنوان الگویی برای اسلامگرایان تونس کوشید رویکرد حزب خود به مسائل داخلی و خارجی را با تجربه اسلامگرایی میانه رو در ترکیه مشابهت سازی کند و بدین وسیله نشان دهد تعهد وی و هم فکرائش به دموکراسی امری واقعی و راهبردی است، نه ساختگی و تاکتیکی.

ترکیه و مصر

مصر دومین دولتی بود که تحولات در آن اتفاق افتاد و دولت های مختلف بر اساس منافع خود به موضع گیری در برابر این تحولات پرداختند. مواضع ترکیه در برابر تحولات مصر را می توان در دو مرحله بررسی کرد: 1) سکوت 2) حمایت قاطعانه از مردم.

1) سکوت

تکرار سناریوی تونس در مصر و به خیابان آمدن مردم این کشور برای مخالفت با رژیم حسنی مبارک نشان داد که دامنه تغییرات سیاسی در منطقه محدود به تونس نیست و سایر رژیم های اقتدار گرا در خاورمیانه و شمال آفریقا در معرض انقلاب های مردمی قرار دارند. بر همین اساس دولت ترکیه نیز به طور فعال تری نسبت به تحولات مصر موضعگیری کرد. در ابتدا ترکیه در برابر مصر، سکوت اختیار کرد. دلایل اتخاذ سکوت از جانب ترکیه را می توان این گونه برشمرد: 1) ترکیه بر اساس منافع ملی خود حرکت می کند. این کشور منافع جدی در مصر نداشت تا با سقوط مبارک بخواهد آن را از دست بدهد. بنابراین در ابتدا ترجیح داد تا سکوت اختیار کند. 2) از طرف دیگر، وقتی تحولات در مصر شروع شد ترکیه هنوز به آینده این تحولات اطمینان نداشت و مطمئن نبود که مردم بتوانند به خواسته هایشان برسند یا نه. بنابراین سکوت را بهترین گزینه دانست. 3) ترکیه در تحولات منطقه همسو با آمریکا حرکت می کرد. آمریکا در ابتدا به دلیل اینکه مصر از متحدان اسرائیل بود، موضعی فعال در قبال تحولات این کشور نداشت. بنابراین ترکیه نیز موضع سکوت را در پیش گرفت.

2) حمایت از انقلاب مصر

ترکیه با آغاز خیزش های مردمی در مصر، ابتدا سکوت را ترجیح داد، اما با مشاهده روند سقوط مبارک، اردوغان از مخالفین و خواسته های دمکراتیک آنها و کنار رفتن مبارک حمایت کرد. برای مقامات ترکیه در خواست برای کنار رفتن مبارک اقدام دشواری نبود؛ چرا که ترکیه و مصر در سال های گذشته روابط مخامصه آمیزی را تجربه کرده بودند. مصر دوره مبارک از افزایش نفوذ اردوغان و ترکیه در جهان عرب ناخرسند و به خصوص از تلاش های دیپلماتیک این کشور در غزه و مصالحه بین گروه های فلسطینی ناراضی بود. سیاست ها و اقداماتی که مشروعیت و نقش آفرینی مصر در جهان عرب، که در راستای منافع امنیتی آمریکا و به خصوص اسرائیل بود، به را شدت تحت الشعاع قرار داده بود. نمونه هایی از تلاش ترکیه برای حمایت از انقلاب مصر می توان به سفر مقامات ترکیه به مصر و همچنین تلاش ترکیه برای بالا بردن تنش با اسرائیل به منظور کسب رضایت انقلابیون در مصر، اشاره کرد:

1-2) سفر مقامات ترکیه به مصر

1- در 22 شهریور 1390، اردوغان به منظور حمایت از انقلابیون مصری به این کشور سفر کرد. در این سفر وی در قاهره به سخنرانی پرداخت. اردوغان در این دیدار با دست گذاشتن روی موضوعات حساس مصری ها ضمن تکرار مواضع خود بار دیگر به طور مفصل خطوط کلی سیاست خارجی ترکیه را تبیین کرد. وی مجدداً خواسته های سه گانه از رژیم صهیونیستی شامل عذرخواهی رسمی، پرداخت غرامت به خانواده های شهدای دریای مرمره و پایان محاصره غزه را تکرار کرد و با مطرح کردن موضوع تهاجم رژیم صهیونیستی به مصر و قتل ۵ نظامی مصری، اسرائیل را "مانع اساسی برای آرامش در منطقه" قلمداد کرد. وی همچنین از گزارش مجموعه حقوق بشری تابع سازمان ملل در مشروع دانستن محاصره غزه انتقاد کرد و خواستار پایان این محاصره شد. اردوغان خطاب به مقامات دولت مصر گفت: شما باید به خواسته های مردم به منظور ایجاد ثبات و امنیت گوش کنید. در ابتدا باید گام هایی بردارید که برای مصر مفید است. شما باید گام هایی بردارید که مردم را راضی کند. همچنین مبارزان ضد دولتی را به پرهیز از خشونت و محافظت از میراث فرهنگی کشور دعوت کرد. (Al Jazeera, 1/2/2011) این موضعگیری محبوبیت اردوغان در میان معترضان مصری را به دنبال داشت و در نوع خود اولین موضعگیری ترکیه و نشانه ای از آن بود که آنکارا تمایل دارد تا در کنار مردم خاورمیانه که در پی ساقط کردن رژیم های خود بودند قرار گیرد.

2- در اواسط اسفند ماه 1389 و در شرایطی که دیگر مبارک در جایگاه رهبری کشور قرار نداشت، رئیس جمهور ترکیه سفر یک روزه ای را به مصر انجام داد و با رئیس شورای نظامی و برخی شخصیت های سیاسی این کشور از جمله عمرو موسی، محمد البرادعی و رئیس جمعیت اخوان المسلمین ملاقات و گفت و گو نمود. در آن سفر عبدالله گل طی سخنانی اظهار داشت: مصری ها

دوره ای را سپری می کنند که باید نهایت عقلانیت را به خرج دهند و مقامات مصری باید به خواسته های مردمی به ویژه در شرایط حساس کنونی توجه خاصی داشته باشند. ما آماده انتقال تجارب خود به مصری ها هستیم. (دانشجو، 1390: 23) وی همچنین گفت: کوتاهی روند تغییر در مصر در راستای تمایلات و آرزوهای مردم این کشور بسیار مهم می باشد. زیرا امنیت مصر و بقای مصر به عنوان یک کشور دوست، برادر و قدرتمند اهمیت فراوانی دارد.

2-2) بالا بردن تنش با اسرائیل

با وقوع انقلاب در کشورهای عربی، ترکیه برای اینکه بتواند وجهه خود را در میان این کشورها به خصوص مصر حفظ کند مجبور شد تا تنش خود را با اسرائیل افزایش دهد. در دوران انقلاب مصر تحرکات ضد اسرائیلی نمایان شد. تحرکات شورای نظامی حاکم بر مصر در قالب گشودن گذرگاه رفح به روی کالاهایی که برای کمک به فلسطینی ها منتقل می شد، میانجی گری در مصالحه فلسطینی و صدور بیانیه شدیدالحن محکومیت اسرائیل در اثر حادثه مرزی که به کشته شدن پنج نظامی مصری انجامیده بود، به رغم محافظه کاری شورای یاد شده، نشان دهنده آغاز دوره ای نوین در خاورمیانه بود. (احمدیان، دیپلماسی صلح عادلانه: 1390) وقتی ترکیه این وضعیت ضد اسرائیلی کشور مصر را مشاهده کرد برای اینکه بتواند در تحولات مصر نقش ایفا کند ناچار بود با مردم مصر هماهنگ شود. در راستای این امر، آنکارا سفیر اسرائیل را به دلیل دشمنی و حمله این کشور به کشتی حامل کمک به غزه در محاصره نوار غزه در دریای مرمره که منجر به کشته شدن 8 ترک و یک شهروند آمریکایی شد اخراج کرد. همچنین اردوغان در جریان سفرهای دوره ای خود به کشورهای عربی در دوران تحولات، در سخنرانی خود در مصر اعلام کرد که اسرائیل باید در قضیه دریای مرمره از ترکیه عذر خواهی کند و غرامت نیز باید بپردازد. (Algazeera: 4/ September/2011) علاوه بر آن در گفتگوی ویژه خبری که در فروردین ماه 1391 با حضور اردوغان در ایران برگزار شد، وی اذعان داشت که برقراری صلح به رفتار اسرائیل برمی گردد و کسانی که در پی صلح هستند باید به سه شرط توجه کنند: عذرخواهی از ترکیه، پرداخت غرامت به خانواده شهدا، پایان دادن به تحریم فلسطین. تا زمانی که این سه شرط برآورده نشود روابط ترکیه و اسرائیل عادی نخواهد شد. (12 فروردین 1391: گفتگوی ویژه خبری شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران)

ترکیه و لیبی

سومین کشور مورد مطالعه ما که در آن انقلاب صورت گرفت، لیبی می باشد. سیاست خارجی ترکیه در برابر لیبی با دولتهای دیگر متفاوت بوده است. واکنش ترکیه در برابر لیبی در سه مرحله صورت گرفت: (1) بی طرفی (2) میانجی گری (3) حمایت قاطعانه از مردم.

1) بی طرفی

ترکیه در دوران قبل از انقلاب در لیبی رابطه خوبی با این کشور داشت. طرابلس و آنکارا سرمایه گذاری های زیادی در عرصه اقتصادی داشتند و ترکیه حدود 30 میلیارد دلار در لیبی سرمایه گذاری کرده بود. این سرمایه گذاری به خصوص در بخش ساخت و ساز بوده است. حدود 25 هزار کارگر ترک در لیبی مشغول به کار بودند. همه قراردادهای با رژیم قذافی بوده و برای آنکارا وحشتناک بود که از قذافی بخواهد لیبی را ترک کند، به خصوص این که ترکیه نمی دانست بعد از قذافی چه کسی بر سر کار خواهد آمد. حجم سرمایه گذاری ترکیه در مصر در مقایسه با لیبی ناچیز بود. ترکیه نگران این بود که سقوط حکومت قذافی ضربه سختی بر منافع و سرمایه گذاری هایش در این کشور وارد آورد. ترکیه در ابتدای امر به مخالفت با قطعنامه های شورای امنیت در لیبی و همچنین اقدام نظامی ناتو علیه لیبی بپردازد. این امر باعث شد اعتراض هایی در درون ترکیه علیه بی تفاوتی این کشور صورت گیرد. در لیبی نیز معترضان با اعتراض از ترکیه خواستند تا موضع خود را تغییر دهد و از انقلابیون حمایت کند. اقدامات خشونت بار رژیم قذافی علیه مخالفان بیش از پیش حجم انتقادات از موضع دولت اردوغان را افزایش داد. بسیاری سیاست های آنکارا در قبال

رژیم قذافی را نشانه و گواه این واقعیت می دانستند که ترکیه هیچ موضع اصولی در قبال دمکراتیزه شدن خاورمیانه ندارد. این مسئله محاسبات حزب عدالت و توسعه در مورد لیبی را تغییر داد. به هر صورت دوباره با توجه به اوج گرفتن ناآرامی ها، سیاستمداران ترکیه به این نتیجه رسیدند که تغییرات در لیبی گریز ناپذیر است. در نتیجه، ترکیه موضع خود را تغییر داده، به حمایت از معترضان لیبی پرداخته؛ خواهان برکناری قذافی شد و با اقدامات ناتو در لیبی همراهی کرد.

2) میانجی گری ترکیه

میانجی گری ابزاری است که ترکیه بر اساس آن در تلاش است تا در چارچوب آن نقش خود را به عنوان یک دولت بی طرف نشان دهد. نمونه هایی از تلاش های ترکیه برای میانجی گری در قضیه لیبی، طرح نقشه راه اردوغان، پیشنهاد به قذافی برای ترک لیبی و میزبانی جهت برگزاری نشست گروه تماس لیبی در آنکارا برای بررسی تحولات لیبی است.

1- نقشه راه اردوغان: اردوغان برای حل مسئله لیبی نقشه راه ارائه کرد: الف- آتش بس فوری و عملی اعلام شود. نیروهای قذافی باید محاصره برخی از شهرها را لغو کنند و از شهرها عقب نشینی کنند. ب- بدون اعمال تبعیض باید به برادران لیبیایی کمک های انسانی ارائه شود و مناطق امن انسانی ایجاد شود. ج- با توجه به منافع مشروع همه مردم لیبی، روند گسترده برای تغییرات دمکراتیک آغاز و بر اساس اراده و انتخاب آزاد مردم لیبی، قانون اساسی دمکراتیک نگاشته شود. (قائم مقامی، پایگاه خبری ایران بالکان: 1390)

2- اردوغان در راستای حمایت از مردم لیبی از معمر قذافی خواست که لیبی را ترک کند. اردوغان گفت: ما به معمر قذافی می گوئیم که کمک می کنیم تا لیبی را ترک کنی و به هر کجا دوست داری بروی. به نظر می رسد قذافی راهی جز ترک لیبی از طریق تضمین های داده شده ندارد. اردوغان افزود: ما خودمان این تضمین را از طریق نمایندگانی که فرستادیم داده ایم. اردوغان اظهار کرد: من شش یا هفت بار با قذافی تماس داشته ام و پیشنهاد خود را به او گفته ام اما قذافی از تاکتیک به تأخیر انداختن استفاده کرده است و هر روز در جایی از این کشور جوی خون به راه می اندازد. (Algazeera: 11/1/2011)

3- در 25 آگوست 2011، نشست سران گروه تماس لیبی در آنکارا برگزار شد و آنکارا میزبان این نشست بود. این اولین نشست گروه تماس پس از ورود مخالفان به طرابلس بود که در سطح مدیران اجرایی و با حضور مقامات ارشد 27 کشور جهان و نمایندگان هفت سازمان بین المللی شامل ناتو، اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقا، سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس و سازمان ملل برگزار شد. ترکیه، آمریکا و فرانسه از شاخص ترین کشورهای غیر عرب و و امارات متحده عربی، قطر، کویت، لبنان و اردن نیز از بارزترین کشورهای عربی شرکت کننده در این نشست بودند و مصر نیز به عنوان عضو ناظر حضور داشت. (جودت، 1390: 4)

3) حمایت از انقلاب لیبی

بعد از اینکه مشخص شد مردم لیبی از مواضع خود کوتاه نخواهند آمد و قذافی در نهایت سقوط می کند، ترکیه به حمایت از انقلاب لیبی برخاست. داوود اوغلو در کنفرانس خبری با ماییت نکوانا ماشایانی وزیر خارجه آفریقای جنوبی درباره مسأله لیبی تأکید کرد: ما موافق راه حل سیاسی هستیم و معتقدیم ملت باید امکان تعیین سرنوشت خود را داشته باشند؛ امری که تا به این لحظه مردم لیبی از آن محروم بوده اند. اوغلو تأکید کرد: ترکیه مخالف تقسیم لیبی است و می خواهد لیبی آزاد و دمکرات باشد. (روزنامه روزگار، 1390: 9)

حمایت های عملی ترکیه از معترضین لیبی را می توان در قالب همراهی این کشور با ناتو و سفر مقامات ترکیه به لیبی بررسی کرد.

1-3) همراهی با ناتو در لیبی

نمونه ای از چگونگی حضور فعال ترکیه در تحولات لیبی همراهی این کشور با ناتو است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در پی قطعنامه 1970 مورخ 26 فوریه 2011، در 17 مارس 2011 قطعنامه 1973 را تصویب کرد. این قطعنامه مبنای حقوقی مداخله نظامی ناتو در لیبی قرار گرفت زیرا در بند چهار آن بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع در حریم های هوایی لیبی به منزله یک عنصر مهم برای محافظت از غیر نظامیان و همچنین ضرورت برقراری امنیت برای تحویل کمک های بشردوستانه تأکید شده بود. (کردونی، 1390 : 107) اردوغان در ابتدای ماه مارس 2011 با مداخله ناتو در لیبی مخالفت کرد و گفت: این امر پوچ و غیر قابل تصور است و حتی نباید مورد بحث قرار گیرد. دو هفته بعد دوباره اردوغان نظر خود را تکرار کرد و گفت: مداخله ناتو بی فایده خواهد بود و عواقب خطرناکی می تواند داشته باشد. (BBC: 2011) زمانی که آنکارا نسبت به حمایت از عملیات ناتو بر ضد رژیم قذافی از خود بی تفاوتی نشان داد بسیاری به انتقاد از حزب عدالت و توسعه به دلیل دور شدن از ارزش های مورد تأکید خود پرداختند. بنابراین با شکل گیری این اعتراضات علیه ترکیه، پس از گذشت چند روز رویکرد ترکیه نسبت به مداخله ناتو در لیبی تغییر یافت و ترکیه فقط بر این موضوع تأکید نمود که عملیات نظامی انسان دوستانه و در چارچوب سازمان ملل صورت گیرد. دولت اردوغان در راستای همراهی با ناتو سه نقش مهم عهده دار شد اول تضمین ارسال کمک های بشردوستانه و دیگری تضمین کنترل فضای پروازی لیبیو سرانجام حمایت از تحریم تسلیحاتی این کشور. اردوغان در دفاع از ورود ترکیه به بحران لیبی اعلام کرد: ترکیه از اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و ما تلاش می کنیم به وظایفی که بر عهده مان گذاشته شده است، عمل کنیم. (روزنامه ایران، 1390 : 18)

2-3) سفر مقامات ترکیه به لیبی

1- در 22 اگوست 2011، داوود اوغلو برای دومین بار به لیبی سفر کرد. در این سفر با مصطفی عبدالجلیل، رئیس شورای انتقالی لیبی، دیدار کرد. هدف ترکیه از این سفر به رسمیت شناختن شورای انتقالی لیبی بود. داوود اوغلو با تأکید بر ضرورت امنیت و وحدت لیبی اعلام کرد که عملیات ناتو برای استقرار امنیت همچنان ادامه خواهد داشت. وی در ادامه خواستار رفع بلوکهدن اموال لیبی و گذاشتن آنها در اختیار انقلابیون شد. وزیر امور خارجه ترکیهها اشاره به ضرورت کمک های مالی به انقلابیون تصریح کرد که در نشست آینده دراستانبول راه های آن بررسی خواهد شد و دولت ترکیه کمکهایی را در این راستا تقدیم انقلابیون لیبی خواهد کرد. داوود اوغلو درباره چگونگی اعطای این کمک ها به شورای انتقالی لیبی اذعان داشت که مبلغ این کمک ها 200 میلیون دلار بوده و صد میلیون آن به صورت نقدی و بقیه به شکل غیر نقدی در اختیار شورای انتقالی قرار خواهد گرفت. (Algazeera:23/August/2011)

اردوغان در ادامه سفرهای دوره ای خود در 16 سپتامبر 2011 به لیبی سفر کرد. در این سفر اردوغان به نقش ترکیه در حمایت از معترضین اشاره کرد و گفت: ما انتظار داریم که جامعه جهانی حمایت فوق العاده از ترکیه و نقش رهبری این کشور کند. ترکیه یک کار شگفت انگیز انجام داده است و نیاز به حمایت کشورهای غربی دارد. (Algazeera: 16/9/2011)

نتیجه گیری

سازهانگارانبراینباور هستند که در تبیین جغرافیا، جمعیت، منابع طبیعی، قدر نظامی و صنعتی کافینمیباشد؛ بلکه بر ایتبیینمناسبتسیاستخارجیکشور هادر کنار ساختار هایمادیباستبیهساختار هایمعناینیز توجه نمود.

فکریخودراچگونه تعریف می نماید، در تعیین روند حرکتیسیاستخارجی آنکشور بهعبارتدیگرسازهانگار بر ابعاد مادیو غیر مادیحیاتاجتماعی تأکید داشته و تلاش دارد بر ایتبیینپدیده هایاجتماعی، بر چگونگی شکلدادنجهان مادیبهکنش انسانیشکلگرفتنجهان مادی توسطکنش و تعامل انسانی، اقدام نماید. درسیاستخارجیکمالیستیتوجهیهساختار هایمادیژئوپلیتیک وژئواکونومیکیانکشور عاملهمه میرا پیوسته و رندهایاروپا پیودور یاز

تحولاتعربیبهویژهاسلامیبهعنوانساختار معنایی، مورد توجه قرار میگرفت. اما در دهه اخیر و به خصوص در دوران بیداری اسلامی در میان کشورهای عربی، زمینگیبرگسترشمناسبات اتحادیهاروپا و آمریکا و در راستای موازنه دیوتکمیلوتأمینبیشتریمنافعوعلاقیترکیه، سیاستخارجیترکیهدر

خاورمیانه، جهاناسلام، آمریکا و لاتینو آفریقا حضور فعالتر بر ایهنمایش گذاشت. بر این اساسسیاست خارجی این دولت با توجه به نگاه نوین سیاست گزارانش به سمت عمل گرایی رفت و ترکیه تلاش کرد با انجام اقداماتی از قبیل سفر سیاستمداران این دولت به کشورهای که در آنها بیداری اسلامی رخ داده، حمایت از معترضین و پیشنهاد کمک مالی، نظامی، ...، روابط متشنج و سرد خود را با نظام های عربی تغییر دهد. در مصر، اردوگانبا سفر به این کشور و تشویق مخالفان، تلاش کرد روابطش با نظام جدید را به سمت بهبودی سوق دهد. در خصوص لیبی، ترکیه از ائتلاف عمیق و مستحکم خود با رژیم قذافی چشم پوشی کرد و در مقابل این روابط را با دولت نوپای این کشور از سر گرفت. همراهی دولت ترکیه با ناتو در لیبی نیز در راستای تلاش برای بهبودی روابط رزیایی می شود. در تونس نیز سعی کرد تا با نظام نوین رابطه برقرار کند و راشد الغنوشی را تشویق کند تا از الگوی ترکیه استفاده کند.

همچنین در رویکرد سازه انگاری بر نقش فرهنگ در کنش های سیاسی دولت ها تأکید می شود. دولت ترکیه مدعی بود با توجه به اشتراکات فرهنگی که در نتیجه تاریخ، مذهب و سایر مشترکات ایجاد شده است، نسبت به تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا مسئول است و باید سیاست خارجی متعهدانه ای در قبال این مسائل اتخاذ کند. به همین دلیل با فرصت طلبی، که از ویژگی های سیاست خارجی این دولت است، از ناآرامی ها به نفع خود بهره برداری کرد و جریان بیداری اسلامی کشورهای منطقه را فرصتی دانست تا با دادن شعارهای دمکراسی و حقوق بشر، زمینه را برای الحاق خود به اتحادیه اروپا فراهم کند. از طرف دیگر نسبت به تحولات منطقه نگاه "حداکثری" داشت؛ یعنی سعی کرد تا با استفاده از فرصت پدید آمده به تقویت نقش منطقه ای و جهانی خود بپردازد و سیاست خارجی فعالی در پیش بگیرد.

مسئله دیگر از منظر سازه انگاری، تأکید بر قدرت نرم است. سیاست گزاران نوین ترکیه پی برده اند برای پیگیری اهداف و منافع خود در عرصه سیاست خارجی دیگر نمی توان از قدرت سخت و نیروی نظامی به تنهایی استفاده کرد. بنابراین سیاستمداران در داخل کشور نقش نیروی نظامی را در سیاست کاهش داده و در خارج از کشور نیز به استفاده از قدرت نرم روی آورده اند و در قالب سخنرانی ها و تبلیغات به اشاعه اقتصاد آزاد و رو به رشد، دمکراسی و آشتی دین با دمکراسی پرداخته اند.

در نهایت می توان گفت، ترکیه بر اساس هویت اسلامی که برای خود تعریف کرده است، نوعی هم ذات پنداری با کشورهای که در آنها جریان بیداری اسلامی رخ داد، قائل بود و بر همین اساس حضور فعال خود را توجیه کرد. در واقع این دولت روابط خود را با جریان های اسلام گرا از جمله جماعت اخوان المسلمین و مابقی جریان های اسلامی فعال در عرصه انقلاب های عربی تعمیق بخشیده و از آنها حمایت کرد.

منابع:

- احمدیان، حسن (زمستان 1389)، "تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه ای آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره 44.
- ارگان مرکزی حزب کار ایران (مهرماه 1390)، "نقش نوین ترکیه در منطقه"، نشریه توفان، سال ششم، شماره 139.
- باربر، جیمز و مایکل اسمیت (1374)، ماهیت سیاست گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه سید حسین سیف زاده. تهران، نشر قومس.
- بی نا (تیرماه 1391)، "نقش ترکیه در بی ثباتی های خاورمیانه"، بولتن مؤسسه خاورمیانه
- بی نا (1391/2/13)، "ترکیه مدعی رهبری خاورمیانه جدید شد"، یالثارات، سال نوزدهم، شماره 670.
- بی نا (1390/11/8)، "آیا الگوی ترکیه برای انقلاب های عربی جواب خواهد داد؟"، جام نیوز.
- پارک، بیل (1393)، سیاست ترکیه نسبت به شمال عراق، ترجمه اردشیر سنایی و محمدرضا عبدالله پور، انتشارات هدف، تهران.
- جودت، رضا (1390/1/29)، "پشت پرده دیپلماسی ترکیه در بحران لیبی"، روزنامه تهران امروز.
- حافظیان، محمد حسین (آبان 1390)، "مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه؛ سازگاری ها و تناقض ها"، همشهری دیپلماتیک، شماره 50.
- حیدری، محمد علی و حمید رهنورد (تابستان 1390)، "نو عثمانی گرایی و سیاست خاورمیانه ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)"، فصلنامه رهنامه سیاست گذاری، سال دوم، شماره دوم.
- دانشجو، احمد رضا (زمستان 1390)، "نگاه ترکیه به انقلاب های اخیر خاورمیانه"، رویدادها و تحلیل ها، شماره 256.
- داوود اوغلو، احمد (1391)، عمق راهبردی، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- روزنامه روزگار (1390/6/15)، "آزادی از مشت آهنین دیکتاتورها قوی تر است"، سال پنجم، شماره 891.
- شفیعی، نوذر و روح الله زمانیان (پاییز 1390)، "مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه ها"، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره 285.
- فاضلی، محمود (1390)، "ترکیه و نقشه راه جدید سوریه"، روزنامه شرق، سال نهم، شماره 1470
- مرادیان، محسن (1385)، برآورد استراتژیک ترکیه (سرزمینی - دفاعی - اقتصادی - اجتماعی)، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

- قائم مقامی، سید علی (90/1/22)، "مواضع ترکیه در قبال عملیات ناتو در لیبی"، پایگاه تحلیلی خبری ایران.
- کردونی، ندا و روزبه کردونی (پاییز 1390)، "بحران لیبی و اقدامات شورای امنیت"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم.
- مشیرزاده، حمیرا (پاییز 1383)، "سازه انگاری به عنوان فرا نظریه روابط بین الملل"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 65.
- BugraKanat, Kilic(2010), "Ak Party's Foreign Policy", **Insight Turkey**, Vol.12, No.1.
- Clive Leviev-Sawyer(22/1/2011), "Turkey's Libya Power Play", available at **Sofia Echo.com**
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007" **Insight Turkey**, Vo.10, No.1.
- Davutoglu, Ahmet (2009), "Turkish Vision of Regional and Global Order: Theoretical Background and Practical Implementation" **Political Reflection**, Vol.1, No.2.
- Davutoglu, Ahmet (2010), "Turkish Foreign Policy and the EU in 2010" **Turkish Policy Quarterly**, Vol.8, No.3.
- Davutoglu, Ahmet (2012), "Turkey's Zero-Problems Foreign Policy" **Insight Turkey**, Vol.11, No.2.
- "Erdogan Slams Israel on Start of Arab Tour" (14/9/2011), **Algazeera**, available in <http://www.Algazeera.com/News/Middle EAST>.
- Financial Times** (2/8/2011), "Interview transcript: Rashid Ghannouchi", available at: <http://www.ft.com/home/uk>.
- Grigoriadis, Loannis (April 2010), "The Davutoglu Doctrine and Turkish Foreign Policy" **Middle Eastern Studies Programmed**.
- Head, Jonathan(25/3/2011), "Libya: Turkey's Troubles with NATO and Nobly Zone", available at: <http://www.bbc.co.uk/world-Middle East>.
- Mamedov, Eldar and Viktor Makarov (2011), "Turkish Model for the Arab World?" **Turkish Policy Quarterly**, Vol.10, No.2.
- Murinson, Alexander (2007), "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy" **Middle Eastern Studies**, Vol.42, No.6.
- Protopapas, George (2011), "Turkey's geopolitical Interests and Middle Revolts", **International Affairs**.
- Ravuz, Erkan(23/8/2011), "Turkey says Tunisia Revolt could be mode for others", **Todays Zaman**, available at: <http://www.todayszaman.com/news>.
- Shabi, Rachel(15/9/2011), "Turkey's Regional Power Play", **Algazeera**.

-Svet,Oleg, “Turkey’s Zero Problem Foreign Policy: An Untenable Balancing Act”, available at:
<http://www.turksgloballeadership.org>

-“Turkey says NATO Campaign to Continue” (23/8/2011),**Algazeera**,available in
<http://www.Algazeera.com/News/Middle EAST>.

-“Turkey PM Hails Sacrifice of Libyan People” (16/9/2011),**Algazeera**,available in
<http://www.Algazeera.com/News/Middle EAST>.

- “Turkish PM backs Egypt Protesters”, (1/2/2011),**Algazeera**,available in
<http://www.Algazeera.com/News/Middle EAST>.

Turkish foreign policy towards the Islamic awakening in the Arab world

Seyed Mohammad Tabatabaee²

Associate Professor of Allameh University

Akram Fazlikhani

MA Student of Allameh University

Abstract

Arabic governments' developments that began in 2010 in Tunisia and transferred to other countries such as Egypt and Libya it was a reaction to different states, one of which is Turkey. Turkey under the Justice and Development Party has a strong presence in the Arab world and the Middle East. Also, Islamic Awakening has placed an opportunity for policy makers and the government to show an active participation in the development process, their goals more seriously than before in their pursuit.

This paper attempts to investigate the effect of changing the policy makers in Turkey during the AKP without that we are right or wrong, success or failure of Turkey's foreign policy will be evaluated. Also, the presence of these behaviours in the form of mediation, advocacy, cooperation with NATO and the journey of Turkish authorities in the Arabic countries is reviewed. How and why the Turkish government on Turkey's efforts to spread Islamic model in the region, becoming a bridge interface between the Islamic Middle East with Europe, Protect the interests of America in the Arab world, becoming a model of regional identity and effort for leadership in regional reforms and identity competition with Iran in the region will be studied.

Key words: Active Foreign Policy, Turkey, Islamic Awakening, Justice and Development Party, Arab world.

²Email: tabasm234@yahoo.fr